

بسم الله الرحمن الرحيم

تغییر از خطاب به غیبت و بالعکس

عبدالحسین شورچه و سمیرا حیاتی

چکیده

التفات یکی از مباحث علوم قرآنی محسوب می‌شود و ارتباط تنگاتنگی با این کتاب آسمانی دارد. فایده التفات این است که وقتی گوینده، در سخن از اسلوبی به اسلوب دیگر منتقل می‌شود، سخن او بیشتر به دلها می‌نشیند، که با یادگیری آن به فهم عمیق‌تر اعجاز بلاغی قرآن و ساختار کلامش و درک صحیح آیات الهی نایل می‌شویم. صنعت التفات با اهداف مختلفی در قرآن کریم به کار رفته است که این اهداف، نشان‌دهنده فصاحت و بلاغت بی‌نظیر قرآن کریم است. برخی از این اهداف عبارتند از: تفضیم و تعظیم، تهدید، توبیخ، نصیحت، موعظه، تحقیر و...

این مقاله سعی دارد کاربرد التفات را در تغییر جهت خطاب، در قرآن بررسی کند و با ذکر نمونه و اشاره به دیدگاه‌های مفسران قرآن، به توضیح بپردازد. از سوی دیگر شبهه افکنان این جنبه فصاحت و بلاغت ادبی قرآن را به عنوان نقطه ضعف بزرگنمایی کرده‌اند و با برداشت نادرست و استناد نابجا به برخی آیات که صنعت التفات در آنها به کار رفته است سعی در مخدوش کردن چهره قرآن به عنوان وحی الهی دارند. از جمله در کتاب نقد قرآن سه‌صحه ۸۳۶ دست آویز این تفکر گردیده است. که لازم است به صورت مستدل و علمی پاسخ داده شود.

کلیدواژه‌ها:

التفات، علم معانی، بلاغت قرآن.

مقدمه

قرآن به عنوان بزرگترین معجزه پیامبر اکرم «صلی الله و علیه و آله و سلم»، از دیرباز از جنبه‌های مختلف مورد توجه مسلمانان و حتی غیرمسلمانان بوده است. توجه به اسباب فهم سخن خداوند مستلزم یادگیری علمی است که ما را در این مهم یاری کند. یکی از آرایه‌های ادبی که در فن فصاحت و بلاغت از آن یاد می‌شود، صنعت «التفات» است. مقصود از «التفات» این است که متکلم در یک سیاق واحد که سخن می‌گوید، از حالت‌های سه‌ضمیر، یعنی حالت ضمیر غایب یا خطاب یا تکلم، از یکی به دیگری التفات پیدا می‌کند. مثلاً سیاق

سخن سیاق غیبت است، ناگهان این سیاق به سیاق خطاب تغییر می‌یابد، در صورتی که مطلب همان مطلب است و این امر مترتب بر علل و عواملی است که علم «معانی» پاسخگوی آن می‌باشد.

ابن صنعت ادبی از گزند مخالفان و شبهه افکنان مخفی نمانده و اشکالاتی در این زمینه مطرح کرده اند و برخی آیات را که صنعت التفات در آن به کار رفته مورد شبهه قرار داده اند. از جمله در کتاب نقد قرآن سها به عنوان یک اشکال بر قرآن مطرح شده است که مقاله حاضر اساس کار را پاسخ‌گویی به این شبهات قرار داده است و از آنجا که این شبهات ریشه در تفکرات مستشرقان و پیشینیان دارد، نوع پاسخ شبهات هم نظر مستشرقان اشراب دارد.

التفات در لغت

واژه «اللفت» به معنای رویگردانی است و گفته شده است: «مَا لَفَتَكَ عَنْ فُلَانٍ»؛ یعنی دید تو را نسبت به او عوض نکرد. (ابن منظور الإفريقي، لسان العرب، ۱۰۳/۱۲) خداوند می‌فرماید: «قَالُوا أَمْ جِئْنَا لِنُلْفِتَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمْ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ» (یونس: ۷۸/۱۰) «گفتند: آیا به سوی ما آمده‌ای تا ما را از شیوه‌ای که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم بازگردانی، و بزرگی در این سرزمین برای شما دو تن باشد؟ ما به شما دو تن ایمان نداریم.»

جوهری می‌گوید: واژه لفت، اللی = پیچاندن، و جمله «لَفَّتَ وَجْهَهُ عَنِّي» به معنای صرف و رویگردانی است و جمله «لَفَّتَهُ عَنْ رَأْيِهِ» یعنی او را از رأی و نظرش عدول داد. (الجوهري، الصحاح اللغة، فصل اللام، ص ۱۲۵) در آیه: «قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرَبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَ لَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ» (هود: ۸۱/۱۱) «گفتند: ای لوط، ما فرستادگان پروردگار تویم. آنان هرگز به تو دست نخواهند یافت. پس، پاسی از شب گذشته خانواده‌ات را حرکت ده - و هیچ کس از شما نباید واپس بنگرد - مگر زنت، که آنچه به ایشان رسد به او [نیز] خواهد رسید. بی‌گمان، وعده‌گاه آنان صبح است. مگر صبح نزدیک نیست؟»

امر به ترک التفات شده تا پیامبر الهی عذاب سخت قومش را نظاره‌گر نباشد.

«فیروزآبادی» می‌گوید: «جمله لفته - یلفته» به معنای بازداشتن شخص است از اندیشه و فکر خود، و روشن است که واژه التفات از همان ریشه و توأم با تأکید است. (فیروزآبادی، القاموس المحيط، ماده لفت) زمخشری می‌گوید: ریشه «لفت» به معنی انحراف از طریق اصلی است. (زمخشری، الفائق فی غریب الحدیث،

التفات در اصطلاح

التفات انتقال گوینده از مخاطب است به نفس خبر و بالعکس و مانند آن و بدیهی است که التفات اصطلاحی به معنای انتقال از معنایی به معنای دیگر است. (ابن معترّ، البدیع، ص ۵۸) التفات از افراد علم بدیع بوده کاربرد آن در جایی است که کلام در معرض ایراد و شبهه قرار گرفته باشد. (باقلانی، اعجاز القرآن، ص ۹۹)

انواع التفات و فایده آن

دانشمندان بلاغت و مفسران انواع التفات را به شش دسته تقسیم می‌کنند:

۱- التفات از تکلم به خطاب؛ ۲- التفات از تکلم به غیبت؛ ۳- التفات از خطاب به تکلم؛ ۴- التفات از خطاب به غیبت؛ ۵- التفات از غیبت به تکلم. ۶- التفات از غیبت به خطاب.

علمای بلاغت و مفسران، فوائد التفات را به فایده‌های عام و خاص تقسیم‌بندی می‌کنند و آنها چنین بیان کرده‌اند: تفنن در گفتار؛ ایجاد نشاط در نوشنده و جلب بیشتر توجه از فایده‌های عام التفات به شمار می‌آیند. اما فایده‌های خاص آن بی‌شمار که از جمله آنها می‌توان به تهدید و ترساندن، سرزنش، مبالغه، یادآوری، بزرگداشت، تشویق، تأکید، شگفتی، و ... اشاره کرد. (ر.ک: زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۱/۱۴؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۳/۳۱۴، ۳۳۰-۳۲۵)

دیدگاه‌های برخی از مستشرقان درباره فصاحت و بلاغت قرآن

دیدگاه‌های فراوانی از سوی مستشرقین پیرامون بافت و صورت ظاهری قرآن کریم بیان شده که گاه تحسین محققان و گاه ایراد از کلام الهی خواسته شده است.

بلاشر در مورد سبک و سیاق ادبی قرآن می‌نویسد: «قرآن کلام الهی است، از نظر فصاحت و بلاغت واجد مرتبه‌ای است که از حد کلام بشر بالاتر است و کمالی به وجود آورده است که در لغت بشری نظیر ندارد. و از نظر بیان انسانی، عالی‌ترین مرحله قابل وصول است... قرآن تنها به واسطه محتوا و تعالیم معجزه نیست، بلکه نیز یک شاهکار ادبی است، حتی قبل از هر چیز تحفه و بدیعه‌ای است که از هر اثر گرانبهائی که بشریت آن را دریافت کرده و گرامی داشته، فراتر است.» (بلاشر، درآمدی بر قرآن، ص ۱۵)

کارل بروکلمان در کتاب «تاریخ الشعوب الإسلامیه»، آیات قرآن را سرشار از مطالب زیبا و لحن خطابی آیات را برانگیزاننده احساسات شمرده است. (زمانی، مستشرقان و قرآن، ص ۱۰۲)

در مقابل این گروه قرآن‌پژوهانی دیگر علی‌رغم آگاهی از زیبایی و استحکام کلام الهی، به زعم خود ایراداتی را به ساختار قرآن وارد ساخته‌اند. تئودور نولدکه دگرگونی‌های ناشی از کاربرد التفات در آیات قرآن را نامتعارف و

فاقد زیبایی دانسته است. (ر.ک: علی الصغیر، خاورشناسان و پژوهشهای قرآنی، ص ۳۷) جان و انزیرو در بخشی از کتاب خود (مطالعات قرآنی) التفات را در نمایه واژه‌های فنی نیاورده و از مشخصه‌های سبکی قرآن ندانسته است. (سلمانی‌زاده، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ص ۴۴)

بیان این دیدگاه‌ها از سوی قرآن‌پژوهان و محققان غربی نشان از عدم آشنایی و ناآگاهی آنها از بلاغت و فصاحت کلام دارد.

بررسی صنعت التفات در آیه ۲۲ سوره یونس و آیات ۸ و ۹ سوره فتح

در آیه: «هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرِينَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِن أَنجَيْتَنَا مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (یونس: ۲۲/۱۰) التفات از مخاطب به غایب به کار رفته است. مفسران در تبیین علت التفات در این آیه آرای گوناگونی مطرح نموده‌اند. بسیاری از مفسران هدف از این التفات را مبالغه می‌دانند، گویی خداوند برای افرادی غیر از کشتی‌نشینان حالشان را به تصویر می‌کشد تا آنها را به شگفتی وادارد و به انکار و تقبیح مشرکان بپردازند. (ر.ک: زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۳۳۸/۲؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ۲۳۳/۱۷؛ اندلسی، بحر المحیط فی التفسیر، ۳۲/۶)

علامه طباطبایی هدف از این التفات را در مورد بیان بیان نموده است. اول آنکه پیامبر «صَلَّى اللَّهُ وَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ» به جای مردم ناسپاس مخاطب قرار گیرد و با شنیدن رفتار مشرکان متعجب شده و آنان را انکار نماید. دوم آنکه این التفات حاکی از روی‌گردانی خداوند از مردم است؛ زیرا آنان با کردارشان لیاقت قرار گرفتن در مقام مخاطب مستقیم پروردگار را از دست داده‌اند. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۵۵/۱۰)

فخررازی التفات در این آیه را نشانه تحقیر مخاطبان توصیف کرده که خداوند از هم‌کلامی با ایشان روی‌گردان است. (فخررازی، مفاتیح الغیب، ۲۳۴/۱۷)

برخی از مفسران نیز تصریح کرده‌اند که ضمائر غایب و مخاطب در این آیه به مشرکان برمی‌گردد. (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۲۷۹/۱۱؛ ابن‌عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، ۵۵/۱۱؛ عکبری، التبیان فی اعراب القرآن، ۱۹۳/۱)

در آیه: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا × لِيَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعَزَّوهُ وَتُقِرُّوهُ وَتَسْبِّحُوهُ بِكُرَّةٍ وَ أُصِيلًا» (فتح: ۴۸/۸-۹)

میان مفسران درباره تعیین مرجع در «تَعَزَّوهُ» و «تُقِرُّوهُ» اختلاف وجود دارد. برخی معتقدند که ضمیرها به شخص پیامبر «صَلَّى اللَّهُ وَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ» باز می‌گردد، و هدف از آن دفاع از او در مقابل دشمن، و تعظیم

و بزرگداشت او است. (ر.ک: طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۳۱۸/۹؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۱۸/۲۳)

اما جمعی از مفسران معتقدند که تمام ضمیرهای آیه به خداوند باز می‌گردد، و منظور از «تعزیر» و «توقیر» در اینجا یاری دین خدا، و بزرگداشت او و آئین او است دلیل آنها در انتخاب این تفسیر هماهنگ شدن تمام ضمیرهای موجود در آیه است. (ر.ک: زمخشری، ۳۳۵/۴؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۲۵۰/۱۳؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۴۰۸/۱۸)

اما با توجه به این که در آیه دیگر لفظ «عَزَّوَهُ» را درباره وظیفه مؤمنان نسبت به پیامبر «صَلَّى اللهُ وَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ» به کار برده است می‌توان گفت که احتمال اول بر احتمال نخست برتری دارد و چنانکه می‌فرماید: «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوَهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف: ۱۵۷/۷) و نیز درباره مطلق پیامبران می‌فرماید: «وَ ءَامَنَّا بِرُسُلِي وَ عَزَّوَهُمْ وَ أَقْرَضْتُمُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا» (مائده: ۱۲/۵)

پیرامون این نوع تغییر، هر یک بلاغیون و مفسران آرای متفاوت عرضه کرده‌اند. گروهی این تغییر را سبب رفع انکار و تردید و گروهی کاربرد این شیوه را مبین تعجب و حیرت دانسته‌اند. (ر.ک: فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ۵۶۱/۴؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۱۶/۲)

نتیجه‌گیری

التفات به عنوان یکی از برجسته‌ترین صنایع ادبی از جایگاهی ویژه در زبان عربی برخوردار است. این آرایه ادبی در عین زیبایی و فصاحت، در برخی موارد موجب ابهام در سایر زبانها می‌گردد. گاهی در بیان این نکات ظریف و اهداف بلاغی بین مفسرین اختلاف نظر وجود دارد، اما در اکثر موارد می‌توان بین آنها را جمع و یا هر دو یا چند دیدگاه را پذیرفت، چرا که هیچ‌گونه تنافی و تضادی بین آنها دیده نمی‌شود.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التئویر، مرکز کامپیوتری نور، قم، بی‌تا، بی‌چا.
- ۳- ابن معزّ، عبدالله، البدیع، تحقیق: اغناطیوس کراتشکو فسکی، بغداد، ۱۹۶۷ م، مطبعة المثنی.
- ۴- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ هـ. ق، چاپ اول.

- ۵- اندلسی، ابوحيان محمد بن يوسف، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، انتشارات دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۰ هـ. ق، بی‌جا.
- ۶- باقلانی، ابوبکر، اعجاز القرآن، تحقیق: السید احمد صقر، دار المعارف، مصر، ۱۹۵۴ م.
- ۷- بلاشر، رژی، درآمدی بر قرآن، ترجمه: اسدالله مبشری، نشر ارغنون، بی‌جا، ۱۳۷۲ هـ. ش، چاپ اول.
- ۸- زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیّه، قاهره، ۱۹۵۷، چاپ اول.
- ۹- زمانی، محمد حسن، مستشرقان و قرآن، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۵ هـ. ش.
- ۱۰- زمخشری، محمود بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث، تحقیق: علی محمد البجاوی، محمد ابوالفضل ابراهیم، دار المعرفة، لبنان، بی‌تا.
- ۱۱- _____ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ هـ. ق، الطبعة الثالث.
- ۱۲- سلمانی‌زاده، جواد، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، چاپخانه سپهر، تهران، ۱۳۶۹ هـ. ش.
- ۱۳- سها، نقد قرآن، ویرایش دوم.
- ۱۴- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ هـ. ش، چاپ پنجم.
- ۱۵- طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجمین: حسین نوری، محمد مفتاح، تحقیق: رضا ستوده، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ هـ. ش، چاپ اول.
- ۱۶- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مقدمه: شیخ آغا بزرگ تهرانی، تحقیق: احمد قصیر عاملی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا، بی‌جا.
- ۱۷- عکبری، عبدالله بن حسین، التبیان فی اعراب القرآن، ناشر بیت الأفكار الدولیّه، عمان-ریاض، بی‌تا، چاپ اول.
- ۱۸- علی الصغیر، محمد حسین، خاورشناسان و پژوهشهای قرآنی، ترجمه: محمد صادق شریعت، چاپ امیر، قم، ۱۳۷۲ هـ. ش.
- ۱۹- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ هـ. ق، چاپ سوم.
- ۲۰- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت، ۱۹۸۳ م.

Abstract

The implication is considered one of Quranic sciences discussions so; it has a close relationship with the Holy book (Quran). The advantage of the implication is that when the speaker changes his speech from the style to style, his speech lies in the hearts of listeners better, as a result, we can attain a deeper understanding of rhetorical miracle of Quran, structure of its word, better perception of Divine verses, through learning the implication.

The art of implication has been used for different purposes in the Holy Quran, so these aims represent an unparalleled oratory of Holy Quran. Some of these goals include: respect and bow, threaten, reprimand, admonish, preach, humiliation and...

This article attempts to examine the usage of implication in order to shift the direction of implication and finally to explain the views of the commentators of the Quran through examples and indications.

On the other hand doubt, terrorists created this aspect of literary rhetoric have exaggerated it as a disadvantage and conception and inappropriate to cite some verses that have been used to favor industry trying to tarnish the image of Quran are as divine revelation. Included in the cash book Quran pendant Suha page ٨٣٤'ve been thinking which is necessary for rational and scientific answer.

Keywords: the art of implication, semantics, Quranic rhetoric